

پشت پرده مذاکرات و معاملات نفتی چه می‌گذرد؟

سیاست‌های نفتی کشور را مردم باید تأیید کنند!

الف. آذرنگ

در روزهای پایانی بهمن ماه سال گذشته، همایش «سایه نفت بر پهنه ایران» و میزگرد «قرار دادهای نفتی در بوته نقد» با شرکت گروهی از کارشناسان اقتصادی و نفتی کشور در تهران برگزار شد. در این نشست‌ها عملکرد وزارت نفت در زمینه اعطای قراردادهای بهره برداری از منابع نفت و گاز کشور به شرکت‌های خارجی، بویژه قراردادهای موسوم به بیع متقابل مورد انتقاد شدید کارشناسان دلسوز کشور قرار گرفت.

مسئولان وزارت نفت بجای استفاده از این فرصت جهت روشن کردن اذهان عمومی از طریق بحث شفاف و ارائه توضیحات و مدارک در حمایت از عملکردهای خود، موضع «همین که هست» را در برابر انتقادات وارده در پیش گرفتند.

در واقع، هر شخصیت، نیرو و سازمان سیاسی که اعتقاد به مبارزه با فساد و تبعیض و ارتشاء در جمهوری اسلامی داشته باشد، می‌توانست مبارزه با این بلای استقلال سوز کشور را از همین سر ماهی شروع کند و نه از دمی که در فلان اداره لای تله گیر می‌کند!

در همین شماره راه‌توده می‌خوانید که چنین امری بدلیل آلودگی‌های سیاسی و اقتصادی سردهندگان شعار مبارزه با فساد و تبعیض با این «سر» خود بیش از همه در این مبارزه ناتوانند، نه تنها ناتوانند، بلکه با مبارزان واقعی در این راه نیز سر ستیز و نابودی آنها را دارند. (مراجعه کنید به افشای نقش نژاد حسینیان، نماینده ایران در سازمان ملل، که در عین حال نماینده رهبر در امریکاست و یک سر تمام معاملات بیع متقابل نفت به او وصل است؛ و به مقاله «اقتدار ملی» در همین شماره راه‌توده)

«حسین کاظم پور اردبیلی»، نماینده ایران در سازمان اوپک و سرپرست امور بین‌المللی وزارت نفت، در میزگرد «قراردادهای نفتی در بوته نقد» و در مصاحبه‌ای با خبرنگار «دوران امروز» نظراتی را مطرح کرد، که با دقت کافی در آنها، نگرانی بجای کارشناسان دلسوز و افکار عمومی جامعه از عملکردهای وزارت نفت و استراتژی حاکم بر آن را تأیید می‌کند.

او در پاسخ به انتقادات وارده بر عملکرد وزارت نفت می‌گوید: «وزارت نفت استراتژی دارد و هرکس که مدعی غلط بودن آن است بی‌آید بحث کند که ما پاسخ بدهیم.» (۱)

البته، ایشان بطور مستقیم اشاره به استراتژی حاکم بر وزارت نفت نکرده، ولی بطور ضمنی و سرپوشیده در توضیح استراتژی انرژی که او از آن دفاع می‌کند می‌افزاید: «اگر بخواهیم از زاویه مشارکت در انرژی

بین‌المللی موازنه قدرت ملی را ایجاد کنیم باید رابطه تولید نفت ما با کویت و عربستان و حتی ونزوئلا حفظ شود. همه ارکان کشور به همین خاطر برنامه توسعه ظرفیت انرژی را تصویب کرده‌اند، پس از نظر قانونی ابهام نداریم. حالا برای توسعه تولید نیاز به سرمایه داریم و قانون راه عقد هرگونه قراردادی جز بیع متقابل را بسته است و هر شیوه‌ای که ممکن است بهتر از بیع متقابل باشد از سوی قانون رد شده‌است.

قبل از انقلاب وضعیت صنعت نفت بهتر بود، تولید ما ۶ میلیون بشکه در روز بود و در دانشگاه‌ها برنامه ریزی بهتری برای تدریس داشتند و تکنولوژی امریکائی در دسترس ما بود، اما بعد از انقلاب همه قراردادهای را ملغی و همه چیز را مصادره کردیم. بعد هم شرکت‌های خارجی را خلع ید کردیم و در دادگاه لاهه هم خسارت کارمان را پرداختیم.» (۲)

البته عبارت «ایجاد موازنه قدرت ملی از زاویه مشارکت در انرژی بین‌المللی» نامفهوم‌تر از آن است که بتواند استراتژی مورد نظر کاظم پور اردبیلی را توضیح بدهد، ولی به نظر می‌رسد منظور او افزایش ظرفیت تولید انرژی و بدست آوردن سهمی متناسب با سهم کویت، عربستان و ونزوئلا از بازار جهانی انرژی برای ایران باشد. ما هم مانند دیگر نیروهای ملی و میهن دوست با این هدف مشکلی نداریم، مشکل ما با استراتژی است که در جهت تحقق این هدف در پیش گرفته شده‌است.

کاظم پور اردبیلی می‌پذیرد که شیوه‌های بهتری از بیع متقابل هم برای جلب سرمایه خارجی و همکاری با شرکت‌های خارجی، در زمینه افزایش ظرفیت تولید انرژی نفت و گاز کشور وجود دارد، ولی او مسامحه در بکار گرفتن این شیوه‌ها را به گردن انقلاب و منبع قانونی مشارکت خارجی‌ها در صنایع نفت کشور، که ۲۵ سال پس از تصویب قانون ملی شدن و در نتیجه انقلاب بهمن ۵۷ در قانون اساسی کشور گنجانده شده می‌اندازد!

کاظم پور اردبیلی و جناحی که او سخنگوی آن در وزارت نفت است، به وضوح در استدلال‌ها و توضیحات خود می‌گویند: ما هم می‌دانیم که قراردادهای بیع متقابل بهترین شیوه تأمین منافع ملی نیست، ولی اگر قراردادهای بهتری می‌خواهید و از ما انتظار دارید که بهتر کار کنیم بروید قانون اساسی را تغییر داده و منع قانونی مشارکت خارجی‌ها در صنایع نفت و گاز را از میان بردارید!

بازگشت به گذشته!

آیا مشارکت شرکت‌های خارجی در صنایع نفت و گاز و بازگشت به شرایط قبل از انقلاب و سلطه کنسرسیوم غارتگر نفت در ایران، تنها راه گسترش ظرفیت تولید و بهترین شیوه تأمین منافع ملی است؟ از نظر ما پاسخ به این سؤال روشن است و تصادفاً خود کاظم پور اردبیلی هم در جای دیگری، پاسخ داده‌است. نامبرده در گفتگو با خبرنگار اقتصادی روزنامه «دوران امروز» می‌گوید:

«دقیقا نمی‌دانم علت بالا گرفتن اعتراض‌ها چیست، اما برای روشن شدن مساله یک مثال می‌زنم. در کشوری مثل ونزوئلا دولت پیشین، یعنی دولتی که قبل از ریاست آقای «چاوز» بر سر کار بود، قراردادهای نفتی به شیوه مشارکت در تولید منعقد می‌کرد. به عنوان مثال چند قرار داد منعقد کردند که طرف خارجی ۳۰ تا ۳۵ سال در تولید میدان‌های نفتی آنها شریک شد. بعد آقای «چاوز» مدعی شد که این نوع قراردادهای حاکمیت کشور را به خطر می‌اندازد و بعد هم مانور زیادی در این

واگذاری حق مشارکت به شرکت‌های خارجی و یا بودن امضای قراردادهائی از نوع بیع متقابل بدست آورد، هنوز مصرانه دو راه در برابر مردم قرار می‌دهد: یا گردن نهادن به قراردادهای بیع متقابل یا قبول خفت مشارکت شرکت‌های خارجی در صنایع نفت!

البته نماینده ایران در پاسخ به معترضین، پیروزی مردم ونزوئلا و رهبری جنبش انقلابی آن کشور را نوعی مانور سیاسی جهت انتخاب شدن چاوز به ریاست جمهوری تلقی می‌کند. ریشه این برخورد غیر دوستانه و تقریباً انتقادی و خصمانه نماینده ایران در اوپک نسبت به چاوز را باید در جای دیگری جستجو کرد:

توطئه انگلیسی

در جریان جنبش ملی شدن نفت در ایران، انگلیسی‌ها بعنوان بخشی از توطئه خود علیه دولت ملی مصدق، انتشار مقالات تبلیغاتی علیه دکتر مصدق، شخصیت و سیاست‌های او در مطبوعات امریکا و انگلیسی را در دستور کار قرار دادند. نگاهی گذرا به عناوین و محتوای این مقالات و آنچه که در سه سال اخیر در باره چاوز و جنبش در ونزوئلا در نشریات امریکائی و انگلیسی منتشر شده آموزنده است. بعنوان نمونه نشریه انگلیسی "ابزرور" طی مقاله‌ای دکتر مصدق را یک «روسیپر متعصب» نامید. (۵) تقریباً ۴۹ سال بعد یک نشریه دیگر انگلیسی چاوز را که ملی کردن صنایع نفت کشور خود را در صدر برنامه‌هایش قرار داده «ژاکوبن کارائیب» می‌نامد. (۶) (روسیپر و ژاکوبن از رهبران گرایش چپ در انقلاب کبیر فرانسه بودند که در مسیر حرکت آن سرخود را در زیر تیغ گیوتین از دست دادند. مطبوعات امپریالیستی از این دو نام در اطلاق به آن دسته از رهبران ملی که به چالش استعمار و امپریالیسم بر می‌خیزند بکار برده و معنای «کله شق» و کسی که به اصطلاح عامیانه "مغزش آفتاب خورده" را از آن می‌گیرند.)

مثال ونزوئلا همچنین نشان می‌دهد که در زمینه خلع ید از شرکت‌های خارجی و پرداخت خسارت، ایران تنها نبوده و احقاق حق حاکمیت ملی را نمی‌توان سرچشمه و منشاء مشکلات موجود در صنایع نفت کشور اعلام کرد. در نتیجه ذکر مصیبت نماینده ایران در اوپک در باره اثرات خلع ید از شرکت‌های خارجی و هورا کشیدن «کیهان لندن» برای او را باید در راستای هدف دیگری دید. (۷) (بخش دوم این مقاله در شماره ۱۰۸ چاپ خواهد شد)

زیر نویس‌ها:

- ۱- «من از قصه‌هایی که برای بیع متقابل می‌خوانند گریه‌ام نمی‌گیرم». دوران امروز ۲ اسفند ۷۹.
- ۲- همانجا
- ۳- «صنعت نفت جای سیاست بازی نیست» دوران امروز ۶ اسفند ۷۹.
- ۴- «فوربز» ۱۳ نوامبر ۲ هزار صفحه ۷۳
- ۵- مقاله تحقیقی پرفسور "آبراهامیان" در باره کودتای ۲۸ مرداد.
- ۶- اکونومیست ۱۴ اگوست ۹۹.
- ۷- «قبل از انقلاب وضع صنعت نفت بهتر بود» کیهان لندن ۲۶ اردیبهشت ۸۰

زمینه داد و اتفاقات در انتخابات هم برنده شد و این نوع قراردادهای، یعنی مشارکت در تولید را ممنوع کرد. در حالی که طبق قانون اساسی آنها، قرارداد مشارکت در تولید امکان منعقد شدن را داشت. حال خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. به نظر من ابهام آفرینی در موضوعات روشن یکی از تاکتیک‌های جریان‌های متفاوت سیاسی است که در حال حاضر هم عده‌ای خاص دارند از این موضوع بهره‌برداری می‌کنند.» (۳)

به نظر می‌رسد برای کاظم پور اردبیلی (که در اکثر کنفرانس‌های نفتی و در جلسات اوپک شرکت می‌کند و به کارشناس ارشد نفت ایران تبدیل شده است) و همفکرانش در وزارت نفت «روشن‌ترین» موضوع، ضرورت مشارکت شرکت‌های خارجی در صنایع نفت و گاز و بازگشت به اوضاع قبل از انقلاب بوده و هرکس یا نیروئی که با این حرکت خزننده به مخالفت برخیزد قصد «ابهام آفرینی» در این موضوع «روشن» را دارد!

در اینجا «حدیث مجمل» مورد اشاره کاظم پور اردبیلی در رابطه با مثال ونزوئلا را اندکی مفصل‌تر باز می‌گوئیم، تا مشخص شود کدام سیاست نفتی ملی و کدام سیاست نفتی غیر ملی است و چگونه وقتی مردم بر سرنوشت منابع طبیعی خود نظارت نداشته باشند، این منابع می‌تواند به غارت برده شود، و یا برعکس!

ونزوئلا از نظر میزان صادرات، سومین کشور عضو اوپک است. در سال ۱۹۷۵، یعنی ۳ سال قبل از انقلاب ۵۷، ونزوئلا صنایع نفت خود را ملی کرد. بنا به گزارش مجله امریکائی "فوربز" «در این سال از شرکت‌های "رویال داچ-شل" و "اکزان" خلع ید شد و ونزوئلا در قبال سرمایه‌های مصادره شده آنها مبلغی برابر ۵۱۲ میلیون دلار، یعنی چیزی حدود ۹۰ میلیون دلار کمتر از ارزش واقعی اموال مصادره شده پرداخت.» (۴)

دولت ملی در ونزوئلا و پیشبرد اصلاحات در این کشور!

از اواسط دهه ۱۹۸۰ هیات حاکمه وقت ونزوئلا در چارچوب سیاست‌های تعدیل اقتصادی، بر خلاف قانون ملی شدن نفت آن کشور، راه بازگشت شرکت‌های غربی و حتی خصوصی سازی بخشی از صنایع نفت ونزوئلا را هموار کرد. در دسامبر ۱۹۹۸ اکثریت قریب به اتفاق مردم ونزوئلا با شرکت در یک انتخابات آزاد، "هوگو چاوز" که براساس یک برنامه اقتصادی ملی در جهت گسست کامل از برنامه‌های تعدیل اقتصادی در انتخابات شرکت کرده بود را به ریاست جمهوری آن کشور انتخاب کردند. چاوز چند ماه بعد طرح قانون اساسی جدیدی را در معرض همه پرسى گذاشت که بموجب آن سیاست خصوصی سازی در صنایع نفت و مشارکت شرکت‌های خارجی در این صنایع غیر قانونی و ممنوع شد (چیزی شبیه و در حد مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی در این زمینه). همانگونه که نماینده ایران در اوپک هم عنوان کرده، استدلال چاوز این بوده و هست که مشارکت خارجی‌ها در صنایع استراتژیک کشور مغایر حاکمیت ملی است.

نمونه ونزوئلا عملاً بی‌اساس بودن استدلال‌های مسئولین وزارت نفت در توجیه قراردادهای بیع متقابل را نشان می‌دهد. همانطور که در بالا نشان دادیم، نماینده ایران در اوپک از یک طرف هدف و استراتژی وزارت نفت را بالا بردن سهم ایران از بازار جهانی نفت - تا حد سهم ونزوئلا - اعلام کرده و از طرف دیگر در حالیکه می‌پذیرد که ونزوئلا که در زمینه میزان تولید سرمشق ایران است توانسته این سطح تولید را بدون